

واکاوی تقسیم سود میان دوره‌ای در شرکت‌های سهامی عام



زهره کریمی
مدیر امور حقوقی بورس
اوراق بهادار تهران



عباس احضاری
کارشناس حقوقی بورس
اوراق بهادار تهران



با فرارسیدن فصل برگزاری مجامع شرکت‌ها، موضوع تقسیم سود بیش از پیش در محافل رسمی و غیررسمی مورد بحث و تبادل نظر قرار می‌گیرد. تمایل سهام‌داران خرد که بعضاً به لحاظ تعدادی اکثریت قابل توجهی را به خود اختصاص می‌دهند، همواره بر تصویب تقسیم حداکثر سود نقدی در مجمع عمومی عادی سالانه معطوف است. پس از تصویب سود در مرحله بعدی نوبت به پرداخت سود تقسیمی می‌رسد که براساس سیاست مالی و عملیاتی هر شرکت طبق ماده ۱۲۴۰ لایحه اصلاحی قانون تجارت (مصوب ۱۳۴۷) حداکثر ۸ ماه از تاریخ تصویب سود در مجمع به طول خواهد انجامید. با توجه به گسترش حوزه بازار سرمایه و تلاش در جهت جذب سرمایه‌های کوچک برای به حرکت درآوردن چرخ تولید و سرمایه‌گذاری در شرکت‌های معتبر، موضوع تقسیم سود در زمانی پیش از فرارسیدن سال مالی که از آن تحت عنوان «سود میان دوره‌ای» یاد می‌شود، به عنوان عامل جاذبه‌ای برای تحقق این مهم مطرح می‌شود. بنابراین این مقاله بر آن است که با طرح سه سوال اساسی این موضوع را از منظر حقوقی بررسی کند.

مقاله

آیا اساساً مجمع عمومی می‌تواند مبادرت به تقسیم سود میان دوره‌ای کند؟ به عبارت دیگر آیا این اقدام شرکت مجوز قانونی دارد؟

در این خصوص ابتدا باید به تعریف سود قابل تقسیم مندرج در ماده ۲۳۹ لایحه اصلاحی قانون تجارت مراجعه کرد که آن را «سود خالص سال مالی شرکت» می‌نامند. بنابراین با توجه به این تعریف باید قائل بر این بود که تعیین سود قابل تقسیم شرکت عملی است که متعاقب رسیدگی، تعیین تکلیف و تصویب حساب‌های سالانه شرکت در مجمع عمومی عادی سالانه انجام می‌گیرد. پس چنانچه بخواهیم امکان تقسیم سود در مدت زمان‌های ۳ ماهه، ۶ ماهه یا ۹ ماهه را به رسمیت بشناسیم، باید در وهله نخست امکان تعیین تکلیف راجع به صورت‌های مالی شرکت را در مهلت‌های ۳ ماهه، ۶ ماهه یا ۹ ماهه رسمیت بخشیم. به عبارت دیگر تقسیم سود خالص سال مالی شرکت فرآیندی است که پیرو تصمیم‌گیری راجع به صورت‌های مالی شرکت به دنبال خواهد داشت که آیا امکان تعیین تکلیف راجع به صورت‌های مالی شرکت در فواصل زمانی کمتر از یک سال وجود دارد؟ تعمق در مقررات مربوطه، به ویژه قانون تجارت به عنوان یکی از امهات متون حقوقی حاکی از این امر است که پاسخ صریحی به این پرسش وجود ندارد. بنابراین منبعث از دکترین حقوق تجارت و در مقام تفسیر مواد قانونی مربوطه دونظر قابل طرح خواهد بود: دیدگاه نخست بر این استدلال متکی است که با توجه به اینکه قانون تجارت صراحتاً تقسیم سود

میان دوره‌ای را ممنوع نکرده و به کار بردن عنوان «سال مالی» ناظر به مورد غالب است نه استعمال حصری، پس می‌توان چنین حقی را برای مجمع در اساس‌نامه به رسمیت شناخت که تصویب صورت‌های مالی و متعاقب آن تقسیم سود خالص در فواصل زمانی کمتر از یک سال صورت پذیرد. دیدگاه دوم ناظر بر این امر است که با توجه به صراحت و تعدد قانون‌گذار در به کار بردن عنوان «سال مالی» در مواد مختلفی از جمله ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰ و... لایحه اصلاحی قانون تجارت می‌توان قائل بر این بود که قانون‌گذار در تعیین صورت حساب‌های شرکت به طور سالانه تعدد و نظر داشته است؛ زیرا اولاً تکلیف برگزاری مجمع عمومی عادی را به طور سالانه مقرر داشته است، ثانیاً رویه مالی، اقتصادی، مالیاتی، حسابرسی و گردش حساب شرکت‌ها نیز براساس عملکرد سالانه تنظیم شده است.

از جمع بین این دو نظریه می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که نظر به اینکه طبق ماده ۸۹ لایحه اصلاحی قانون تجارت «مجمع عمومی عادی باید سالی یک بار در موقعی که در اساس‌نامه پیش‌بینی شده است برای رسیدگی به ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی قبل و... تشکیل شود» و با توجه به اینکه بر اساس ماده ۹۰ لایحه مذکور «تقسیم سود و اندوخته بین صاحبان سهام فقط پس از تصویب مجمع عمومی جایز خواهد بود» با امعان نظر به ساختار کنونی قانون تجارت به ویژه کاربرد صریح عنوان «سال مالی» و با توجه به وضعیت اقتصادی شرکت‌ها و دشواری تشکیل مجامع و حضور یافتن صاحبان

سهام در فواصل زمانی کوتاه و هزینه‌های مترتبه به نظر می‌رسد امکان تعیین تکلیف صورت‌های مالی شرکت و متعاقب آن، تعیین و تقسیم سود در زمانی کمتر از یک سال به لحاظ عملیاتی امکان‌پذیر نیست.

۲

آیا امکان تفویض اختیار تصمیم‌گیری در خصوص سود از سوی مجمع به هیات مدیره وجود دارد یا این اقدام منحصرراً در صلاحیت مجمع عمومی عادی است؟ برای رفع ابهام از این مسئله نیز با توجه به عدم پاسخ صریح قانون‌گذار باید به دکترین حقوقی متوسل شد و از میان دو دیدگاه موجود، یکی را برگزید.

دیدگاه نخست مبین این است که اولاً با توجه به ماده ۲۴۰ لایحه مزبور که رسیدگی به صورت‌های مالی و متعاقب آن تقسیم سود را در صلاحیت مجمع عمومی دانسته و ثانیاً اذعان کرده است هر سودی که برخلاف این مقررات تقسیم شود، منافع موهوم تلقی می‌شود و ثالثاً صرفاً تصمیم‌گیری راجع به نحوه پرداخت سود، قابل واگذاری به هیات مدیره است و رابعاً ماده ۱۱۸^۵ که صراحتاً صلاحیت مدیران را در تمام موارد برای اداره شرکت به رسمیت شناخته مگر آنچه در صلاحیت خاص مجامع است. بنابراین قانون‌گذار درصدد بوده تا مدیران را صرفاً با زوی اجرائی شرکت قرار دهد و آنها را از اختیار تصمیم‌گیری راجع به امور مهم شرکت همچون تقسیم سود بازدارد. به علاوه اصول حاکمیت شرکتی نیز با کاهش اختیارات مدیران در این گونه تصمیمات اساسی به جهت حفظ حقوق سهام‌داران و دخالت دادن آنها از طریق



معرفی هیات مدیره تنهایی تواند سقف سود قابل تقسیم را پیشنهاد دهد و این پیشنهاد در خصوص وجود یا فقدان نقدینگی کافی به منظور پرداخت سود است نه تعیین تکلیف برای مجمع عمومی.

رعایت مفاد مواد ۱۷۱، ۱۷۰، ۱۶۹ و ۱۷۲ این قانون بین شرکا یا سهام داران تقسیم شود، تعیین می کند. تقسیم سود یا اندوخته های اختیاری منوط به پیشنهاد سقف سود قابل تقسیم به وسیله مدیر یا مدیران همراه با اظهار نظر بازرسی یا بازرسان شرکت مبنی بر وجود نقدینگی لازم برای پرداخت آن در مهلت های مقرر و فقدان شرط درآمدی یا هزینه ای در صورت های مالی است. بنا بر این ناگفته پیداست که این ماده بر این امر دلالت دارد که هیات مدیره تنها می تواند سقف سود قابل تقسیم را پیشنهاد دهد و این پیشنهاد در خصوص وجود یا فقدان نقدینگی کافی به منظور پرداخت سود است نه تعیین تکلیف برای مجمع عمومی. ■

ویژه تقسیم سود به هیات مدیره نه تنها مد نظر قانون گذار نبوده، بلکه با فلسفه تشکیل شرکت و اصول حاکمیت شرکتی نیز در تعارض است؛ زیرا اولاً اکثر اعضای هیات مدیره همان سهام داران عمده ای هستند که در مجمع عمومی خط مشی شرکت را تعیین کرده و قدرت زیادی در اختیار دارند و چنانچه بتوانند این اختیارات را از مجمع بگیرند، ممکن است منافع سایر سهام داران در معرض آسیب قرار گیرد. ثانیاً لحن ماده ۱۱۸ نیز نظر به تعدد قانون گذار به اتخاذ تصمیمات شرکت توسط مجمع داشته و این امر در راستای حفظ منافع سهام داران و دخالت تمامی آنها در تصمیم گیری های شرکت بوده است. بنابراین تفویض آن امکان پذیر نیست.

۳ آیا هیات مدیره شرکت می تواند در خصوص سود قابل تقسیم برای مجمع سقف تعیین کند؟

پاسخ این پرسش نیازمند توجه به این نکات است که اولاً مجمع عمومی از اجتماع صاحبان سهام تشکیل شده و در واقع شرکت چیزی جز شراکت صاحبان سهام نیست و هیچ مرجعی به جز مجمع، متشکل از همه اعضای تشکیل دهنده شرکت نیست. ثانیاً مواد مختلف لایحه اصلاحی قانون تجارت از جمله ماده ۲۹۰ مجمع عمومی را مرجع تصمیم گیرنده اصلی در خصوص موضوعاتی همچون تصویب اساس نامه، تصویب افزایش سرمایه، تصویب حساب سود و زیان و... معرفی می کند. بنابراین هیات مدیره حق تعیین سقف تقسیم سود و تعیین محدوده برای مجمع را ندارد و همچون سایر موارد تابع و مجری دستورات مجمع عمومی صاحبان سهام است.

ماده ۲۸۱ لایحه جدید قانون تجارت که در تاریخ ۱۳۹۱/۱۰/۲۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و در انتظار تایید شورای نگهبان است، در حکم صریحی موید این نتیجه گیری است. این ماده مقرر می دارد: «مجمع عمومی عادی پس از تصویب صورت های مالی و احراز وجود سود قابل تقسیم، مبلغی از آن را که باید با

مجمع در اتخاذ تصمیمات مهم شرکت، این تفکر را تقویت می کند که اختیار تصمیم گیری در خصوص تقسیم سود در صلاحیت انحصاری مجمع است و قابل واگذاری نیست.

اما دیدگاه دوم در نقطه مقابل نظر نخست قرار دارد و بیان می دارد اولاً مجمع عمومی می تواند اختیار خود را در موارد متعدد به هیات مدیره واگذار کند؛ از جمله ماده ۱۶۲ لایحه اصلاحیه قانون تجارت راجع به تفویض اختیار افزایش سرمایه به هیات مدیره ظرف مدت پنج سال. دوم اینکه در مواردی نیز که مجمع راجع به امری تصمیم نمی گیرد اختیار تصمیم گیری به هیات مدیره واگذار شده است (مثلاً راجع به نحوه تقسیم سود ذیل ماده ۲۴۰). سوم اینکه قانون تجارت این مسئله را صریحاً ممنوع نکرده است و چهارم اینکه لحن ماده ۱۱۸ که عبارت «جز آنچه در صلاحیت خاص مجامع است» را به کار برده، تاب چنین تفسیری را دارد که بگوییم تقسیم سود در صلاحیت مجمع عمومی عادی است؛ ولی در صلاحیت خاص آن نیست. چرا که از عبارت خاص نوعی انحصار در انجام وظیفه استنباط می شود که با توجه به ذیل ماده ۲۴۰ که امکان تعیین نحوه پرداخت سود را قابل انجام توسط هیات مدیره می داند، چنین انحصاری برداشت نمی شود. پنجم اینکه می توان با قیاس اولویت چنین تفسیر کرد با توجه به اینکه قانون گذار ذیل ماده ۲۴۰ صراحتاً تعیین نحوه تقسیم سود را توسط هیات مدیره (در صورت عدم تصمیم گیری مجمع) مورد پذیرش قرار داده است، پس به طریق اولی امکان تفویض این قبیل اختیارات از جانب خود مجمع به هیات مدیره با در نظر گرفتن عدم منع قانون گذار وجود دارد.

استدلال های مطرح شده در دو دیدگاه مذکور ما را به این نتیجه رهنمون می سازد که رویکرد قانون گذار در قانون تجارت تفکیک رکن تصمیم گیری شرکت (مجمع) از رکن اجرایی (هیات مدیره) بوده است و موارد تفویضی به هیات مدیره همچون مورد مذکور در ماده ۲۴۰ راجع به تعیین نحوه تقسیم سود نیز امری اجرایی است؛ بنابراین شناسایی امکان تفویض اختیارات مجمع به

یادداشت:

۱. ماده ۲۴۰- مجمع عمومی پس از تصویب حساب های سال مالی و احراز اینکه سود قابل تقسیم وجود دارد، مبلغی از آن را که باید بین صاحبان سهام تقسیم شود تعیین خواهد کرد. علاوه بر این مجمع عمومی می تواند تصمیم بگیرد مبلغی از اندوخته های که شرکت در اختیار دارد بین صاحبان سهام تقسیم شود. در این صورت در تصمیم مجمع عمومی باید صریحاً قید شود که مبالغ مورد نظر از کدام یک از اندوخته ها باید برداشت و تقسیم شود.

۲. ماده- ۲۳۹ سود قابل تقسیم عبارت است از: سود خالص سال مالی شرکت منهای زیان های سال های مالی قبل و اندوخته قانونی مذکور در ماده ۲۳۸ و سایر اندوخته های اختیاری به علاوه سود قابل تقسیم سال های قبل که تقسیم نشده است.

۳. ماده- ۲۳۷ سود خالص شرکت در هر سال مالی عبارت است از: درآمد حاصل در همان سال مالی منهای کلیه هزینه ها و استهلاکات و ذخیره ها.

۴. ماده- ۲۳۸ از سود خالص شرکت پس از وضع زیان های وارده در سال های قبل باید معادل یک بیستم آن طبق ماده ۱۴۰ به عنوان اندوخته قانونی موضوع شود. هر تصمیم برخلاف این ماده باطل است.

۵. ماده- ۱۱۸ جز در باره موضوعاتی که به موجب مقررات این قانون اخذ تصمیم و اقدام درباره آنها در صلاحیت خاص مجمع عمومی است، مدیران شرکت دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت هستند؛ مشروط بر آنکه تصمیمات و اقدامات آنها در حدود موضوع شرکت باشد. محدود کردن اختیارات مدیران در اساس نامه یا به موجب تصمیمات مجمع عمومی فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل و گان لم یکن است.

۶. ماده- ۱۶۲ مجمع عمومی فوق العاده می تواند به هیات مدیره اجازه دهد که ظرف مدت معینی که نباید از پنج سال تجاوز کند سرمایه شرکت را تا میزان مبلغ معینی به یکی از طرق مذکور در این قانون افزایش دهد.